

## جایگاه قرآن از منظر مولای متقیان، علی (ع)؛ بایسته‌ها و نبایسته‌ها

علی اصغر زکوی\*

استادیار فلسفه و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

محمد ملائی\*\*

کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۵، تاریخ تصویب: ۹۱/۰۱/۱۴)

### چکیده

معجزه جاویدان پیامبر اعظم (ص)، نزد همه مسلمانان از جایگاهی بس رفیع برخوردار است، اما امت اسلامی نتوانسته است با تکیه بر آموزه‌های آن از پیشرفت لازم در حیات مادی و معنوی برخوردار شود. سؤال این است که جایگاه قرآن از دیدگاه علی (ع) چیست و بایسته‌ها و نبایسته‌ها، در نسبت میان ما و قرآن کدامند؟ در نگاه آن حضرت، قرآن، کتاب زندگی و قانون اساسی اسلام، هدایت‌گر به استوارترین راه‌ها، شفابخش دردهای فردی و اجتماعی بشر، مبنای عمل مسلمانان و روش چگونه اندیشیدن و چگونه زیستن است. راه نجات قرآن از مهجوریت، تنها در گرو فهم و عمل به تمام آموزه‌های آن، در عرصه حیات فردی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علی (ع)، قانون زندگی، عمل، نهج البلاغه، بایسته‌ها.

---

\*. E-mail: azakavi@mazums. ac. ir

\*\* E-mail: m.mollai20@gmail.com

## مقدمه

معجزه جاویدان پیامبر اعظم (ص) به عنوان قانون اساسی زندگی، برای آنان که جامعه پارسایی بر تن کرده‌اند، کتاب هدایت (بقره: ۲) به سوی استوارترین آئین زندگی است (اسراء: ۹)؛ هم دردهای بشر را شناسانده است و هم راه‌های درمان را همچون نسخه‌ای شفا بخش (اسراء: ۸۲)، در دست پزشکی حاذق (نهج/البلاغه: خطبه ۱۰۸) قرار داده است. مسلمانان با همه حرمت و قداستی که برای این کتاب قانون قائل‌اند و حتی الفاظ و کلمات آن را مقدس دانسته‌اند، بدون طهارت آن را لمس نمی‌کنند، چرا نتوانسته‌اند با تکیه بر آن زندگی مادی و معنوی و حیات فردی و اجتماعی خویش را آنگونه که باید از آسیب‌ها، آفات، ناهنجاری‌ها، بد اخلاقی‌ها، ظلم‌ها، تبعیض‌ها، عقب ماندگی‌ها و... نجات دهند؟

در پاسخ به این سؤال، چند گزینه قابل طرح و بررسی است: یا نقص در نویسنده نسخه و قانون است، یا طبیعی که آن را املاء کرده، به درستی رسالتش و ابلاغش را به انجام نرسانده است، یا مفسران واقعی آن کوتاهی کرده‌اند، یا جامعه مسلمانان جایگاه آن را به درستی نشناخته و به آن جامعه عمل نپوشیده‌اند؟ کدامیک؟ از آنجا که قرآن از سرچشمه زلال علم نامتناهی و کامل الهی سرچشمه گرفته است و امین وحی آن را بر قلب رسول خدا (ص)، نازل نموده و حضرتش در مقام دریافت و ابلاغ وحی، از هر خطا و اشتباه و سهوی، بکلی مصون است و او و خاندان طاهرینش در تفسیر این کتاب قانون، نهایت مساعی خویش را بکار گرفتند و جایگاه آن را در منظومه فکری اسلام به روشنی تبیین نموده‌اند، به نظر می‌رسد راز دردهای فردی و اجتماعی بشر، به ویژه مسلمانان را باید در نشناختن جایگاه و رسالت حقیقی قرآن و عدم التزام عملی به تمامی آموزه‌های آن جست و جو کرد.

معجزه علمی پیامبر اعظم (ص)، در صورتی اثر گذار و شفا بخش و تنظیم کننده زندگی انسان خواهد بود که نوع نگرش انسان به آن، نگرشی صحیح، درست و منطقی، مطابق با نگرش آورنده کلام وحی و مفسران واقعی آن باشد. به علاوه پیروان آن، در مرحله عمل و رفتار آن را سر لوحه افکار، نگرش‌ها و رفتارهای خویش قرار دهند. در غیر این صورت، بهترین نسخه‌ها، حتی اگر توسط حاذق‌ترین طبیبان عالم تجویز شده باشد

و مترقی‌ترین قوانین، اگر از بهترین منبع معرفتی صادر شده باشد و با آب طلا نوشته شده و از سقف آسمان هم آویخته و در معرض دید همه جهانیان قرار گرفته باشد هیچ‌گاه سودی نخواهد بخشید.

این نوشتار برآن است تا به بازخوانی اندیشه‌ها و هدایت‌های شخصیتی بپردازد که در دامن پیام آور وحی تربیت یافته و در عمل به آموزه‌های این کتاب قانون، همواره با آن رسول بی‌بدیل، همراه بوده است. بنابراین، سوال اصلی این است که قرآن کریم، در منظومه تفکر مولای متقیان علی (ع)، از چه جایگاهی برخوردار است، و رسالت ما در این زمینه چیست؟

در همین راستا، بر نگاه علی بن ابیطالب به قرآن، به‌عنوان کتاب قانون و برنامه زندگی تاکید شده است. به نظر می‌رسد از دیدگاه علی (ع)، نخستین گام در نجات قرآن از مهجوریت، آگاهی از جایگاه این کتاب آسمانی در تفکر اسلامی است و دوم درک و دریافت فاصله وضعیت موجود جوامع اسلامی با آموزه‌های قرآن و سوم فهم قرآن بر مبنای تفسیر اهل بیت (ع) و عمل به آن در تمامی عرصه‌های زندگی می‌باشد. به نظر می‌رسد در نگاه علی (ع)، تنها راه نجات جوامع اسلامی از نابسامانی‌های فردی و اجتماعی، بازگشت عملی به قرآن و اخذ معارف آن از اهل بیت پیامبر (ص) است.

پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، از طریق مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای و با محوریت نهج البلاغه و در قالب عناوین زیر پیگیری می‌شود: جایگاه قرآن و اهمیت آن از منظر علی (ع)؛ مراجعه به قرآن به‌عنوان قانون و برنامه زندگی یا به‌عنوان کسب فضیلت؛ ویژگی‌های قرآن یا توصیف کلام وحی از زبان علی (ع)؛ مفسران واقعی قرآن کیانند؟ وظیفه مسلمانان در قبال این کتاب آسمانی چیست؟ علی و هشدارهای او در خصوص قرآن؛ ما و قرآن، بایسته‌ها و نبایسته‌ها در نسبت میان ما و قرآن؛ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

## ۱- جایگاه قرآن

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در خصوص تبیین جایگاه قرآن، از چنان تعابیر بلندی بهره جسته است که مرکب هر نویسنده‌ای را از آوردن تعابیر جایگزین می‌خشکاند.

تعبیری که تقدم و تأخر آنها در این نوشتار، از منطق خاصی، جز ذوق نویسنده پیروی نمی‌کند.

### ۱-۱. نور و چراغ جاودانه

ویژگی نور، روشنایی بخشی است و با تکیه بر آن می‌توان ظلمت‌ها و تاریکی‌ها را در عرصه اندیشه و عمل پشت سر گذاشت: «نوری که خاموشی ندارد، چراغی که فروزندی آن زوال نپذیرد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۸). جریان قرآن در گذر زمان، مانند جریان خورشید و ماه است که نور افشانی‌اش همواره باقی است. هرچند همه زمان‌ها، و مکان‌ها دائماً در حال تغییرند:

قرن‌ها بگذشت این قرن نویست  
 ماه آن ماه است و آب آن آب نیست  
 فضل آن فضل است، عدل آن هم عدل  
 گرچه مستبدل شد این قرن و امم  
 قرن‌ها بر قرن‌ها رفت ای همام  
 وین معانی برقرار و بر دوا  
 شد مبدل آب این جو چند بار  
 عکس ماه و عکس اختربرقرار  
 پس بناش نیست بر آب روان  
 بلکه بر افکار اوج آسمان  
 (جعفری، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۶۹-۲۷۰)

آموزه‌های قرآن نیز بر علم لایتغیر الهی تکیه دارند، نه بر زمان و مکان.

### ۲-۱. دریای عمیق و بیکران

بی‌کرانگی، شفافیت و پایان ناپذیر بودن معارف قرآنی را می‌توان از تعبیر مولا در فقرات زیر دریافت:

« دریایی که اعماقش را درک نتوان کرد...، قرآن معدن ایمان است و مرکز آن چشمه‌های دانش و دریا‌های آن منابع عدالت، و غدیرهای آن پایه‌های اسلام و بنیان آن، ندای زلال حق است، سرزمین‌های مطمئن آن دریایی است که بهره‌گیران تشنه کام، آبش را تمام نتوانند چشید و چشمه‌هایی است که از آن کم نتوانند کرد، محل برداشت آبی که هر چه از آن بر گیرند کم نمی‌شود» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۸).

آب مایه حیات است و قرآن به آب بی‌کران دریا و زلالت چشمه‌ها تشبیه شده است که حیات معنوی انسان به آن بستگی دارد و روشن است که هر کس به اندازه ظرفیت وجودی خویش از آن بهره می‌گیرد و تنها تشنه کامان سراغ آن را می‌گیرند. در این میان، کسانی که تشنه معارف الهی و معنوی نیستند و سر در آخور ماده و طبیعت کرده‌اند از چنین سرچشمه‌های زلالی بی‌بهره خواهند بود که خود کرده را تدبیر نیست. به علاوه اگر این آب زلال، در زمین خشک و شور ببارد نیز نتیجه عکس خواهد داد:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار خس

اما برای آنان که قلب‌هایشان به نور ایمان منور گشته است شفافبخش و راهنما خواهد بود: « خداوند، قرآن را فرو نشاننده عطش دانشمندان، باران بهاری برای قلب درک کنندگان و جاده وسیع برای صالحان قرار داده است (همان).

### ۱-۳. نشانه هدایت

در گذشته، کاروانسراها و منازل بین راه برای مسافران حکم راهنما را داشته‌اند، همانطور که امروزه تابلوهای راهنمایی و رانندگی برای مسافران این نقش را ایفا می‌کنند. قرآن از نگاه علی، تابلوی راهنمایی بشر در پیمودن راه سعادت در دو جهان است: « منازلی است که مسافران، راه آن را گم نمی‌کنند و نشانه‌هایی است که از چشم سیرکنندگان، پنهان نمی‌ماند، کوهساری است که [دیده رهگذران را به خود متوجه ساخته] از آن نمی‌گذرند» (همان). « جاده وسیعی است برای صالحان... راهنمایی

است برای آنکه به آن اقتدا کند. . . . مرکب راهواری است برای کسی که آن را بکار گیرد، نشانه‌ای است برای کسی که با آن علامت گذاری کند» (همان).

#### ۴-۱. پناهگاه امن

خصوصیت پناهگاه آن است که فرد و جامعه را از شر بلاهای طبیعی و جنگ‌ها، زلزله‌ها و بیماری‌ها، . . . مصون می‌دارد. قرآن نیز آدمی را از آسیب‌های فکری، روانی، اخلاقی و عملی امان می‌دهد: « . . . پناهگاهی است که قله آن مانع ورود دشمنان، نیرو و قدرتی است برای کسی که به آن چنگ زند، محل امنی است برای کسی که به آن وارد شود . . . و سپری است برای کسی که لباس رزم بپوشد» (همان).

#### ۵-۱. داروی شفا بخش

بیماری‌های روحی از یک جهت، خطرناک‌تر از بیماری‌های جسمی‌اند؛ زیرا بیماری‌های جسمی معمولاً با درد همراهند. خطرناک‌ترین بیماری‌های جسمی، آنهایی هستند که یا اصلاً درد ندارند یا درد آنها دیرتر از موعد آشکار می‌شود. بیماری‌های روحی و اخلاقی، درد ندارند لذا انسان همیشه باید خود را با عرضه کردن به قرآن و سیره معصومین (ع) ارزیابی کند تا فاصله خود را از آنها رصد نموده و در پی درمان و جبران بر آید. قرآن دواي دردهای روحی و اخلاقی بشر است: «قرآن دارویی است که پس از آن بیماری‌ای نمی‌ماند» (همان: خطبه ۱۹۸). «قرآن را بیاموزید که . . . از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است» (همان: خطبه ۱۱۰). « بدانید در قرآن . . . داروی بیماری‌ها و نظم حیات اجتماعی شماست» (همان: خطبه ۱۵۸؛ مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۳۲).

#### ۶-۱. بهار دل‌ها

بهار، فصل زیبایی، طراوت و سرزندگی و نشاط است، قلب‌های آدمی می‌تواند در اثر معصیت خدا و دور شدن از صراط مستقیم، دچار خزان شود و نهال ایمان در آن زرد گردد، اما معارف قرآن و عمل به آن، طراوت بخش دل‌هاست: «قرآن را نیک فهم کنید که بهار دل‌هاست» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۱۰).

بهاری اینچنین، بدون شک محصول صفا و تنزه و درخشش نور الهی است که بذره‌های «و علم آدم الأسماء» را می‌رویاند و با آب حیات‌بخش ذکر خداوندی آن را آبیاری می‌کند و همه این مقدمات و شرایط در آیات قرآن مطرح شده است (جعفری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۲). همانطور که ابن سینا درک لذت اعلی را برای عارفانی میسر می‌داند که از اشتغالات مادی و موانع، جدا شده و به عالم قدس و سعادت رها شده‌اند و به دسیسه دریافت کمال اعلی از خود بی‌خود شده‌اند (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۴۲۹-۴۳۰).

تازگی آموزه‌های قرآنی در تمام اعصار از ویژگی‌های بارز آن است و همین ویژگی، تضمین کننده جاودانگی آن و خاتمیت پیامبر (ص) محسوب می‌شود: «بر شما باد عمل به قرآن که... تکرار و شنیدن پی‌پی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود، کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کس بدان عمل کند پیشتاز است» (تهج/البلاغه: خطبه ۱۵۶).

#### ۱-۷. هدایت کننده به استوارترین راه

بشریت همواره در جستجوی بهترین و استوارترین مکتب در عرصه اندیشه و عمل بوده است؛ مکتبی که نگرش او را نسبت به خدا، جهان، انسان، زندگی، سعادت و... سامان دهد و با تکیه بر آن، بهترین روش زندگی را برای دستیابی به عالی‌ترین مدارج سعادت و کمال فراهم سازد. مکتب‌های مختلف فلسفی در طول تاریخ " چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند! ". قرآن در منطق علی (ع)، بشر را به گمشده همیشگی اش، استوارترین راه و صراط مستقیم هدایت فرا می‌خواند؛ راهی که به جهت سرچشمه گرفتن از زلال علم الهی، کژی در آن راه ندارد. «با قرآن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن گوید و به وسیله آن بشنوید،... در شناساندن خدا، اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد» (همان: خطبه ۱۳۳).

بنابراین، درنگاه علوی، قرآن از جایگاهی بسیار رفیع برخوردار است و همین جایگاه، نقش آن را در زندگی بشر و مسئولیت مسلمانان را در برابر آن بیشتر می‌سازد. اما قرآن چه نقشی می‌تواند در زندگی ایفا نماید؟

## ۲. رجوع به قرآن، به عنوان کتاب قانون یا کسب ثواب و فضیلت؟!

یکی از آسیب‌های مبتلا به مسلمانان در خصوص قرآن، مراجعه به آن صرفاً به عنوان یک فضیلت و یک ثواب است! قرائت قرآن در مجالس ترحیم، و احترام به آن در هنگام تحویل سال و عبور دادن مسافر از زیر آن، خواندن آن بدون توجه به معانی و مفاهیم آن، اصرار بر ختم قرآن در ماه رمضان به هر قیمت و به هر شکل ممکن، جلسات ختم فلان سوره را گرفتن و آن را با نان و حلوا به پایان رساندن از جمله مصادیق سطحی نگری نسبت به آن و یک "سوء تبلیغ" است نه "تبلیغ سوء"، که خسران آن گاه بیش از تبلیغ سوء می‌باشد.

"تبلیغ سوء" آن است که کسانی بگویند: قرآن مربوط به گذشته است و قوانین آن برای عصر حاضر، کار آمد نیست! اما "سوء تبلیغ" آن است که با یک لطافتی، بدون اینکه مقاومت افکار عمومی و حتی خواص را در پی داشته باشد، مراجعه به قرآن مورد تبلیغ و تشویق قرار گیرد، اما آن را از ماهیت و رسالت و محور اصلی اش خارج سازند! ترغیب به قرائت قرآن، تنها برای مثلاً کسب هزاران ثواب از قرائت فلان سوره یا آیه، نوعی سوء تبلیغ به شمار می‌آید که خود، مهجور ساختن قرآن و شعائر دینی و تخلیه آنها از پیام‌ها و رسالت‌های اصلیشان را در پی خواهد داشت (اسفندیاری، ۱۳۸۴: ۹۳-۱۱۸) و نوع دیگری از مهجوریت آموزه‌های قرآن در جامعه را رقم خواهد زد که خطرناک‌تر از مهجوریت از نوع بی‌توجهی به قرآن است.

علی (ع) در هیچ جای نهج البلاغه، مسلمانان را به مراجعه به قرآن، فقط برای کسب ثواب و فضیلت دعوت نکرده است. قرآن در نظر او، کتاب قانون و زندگی است. کتاب زندگان است نه مردگان. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌نویسد: «... ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن ... می‌خواهد حقایق قرآنی، (را) ... از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است معرفی کند» (خمینی، ۱۳۷۳: ۶-۸).

در نگاه علوی، قرآن راهنمای رفتار انسان‌ها، کتاب قانون و برنامه زندگی است. پس قرائت آن مقدمه‌ای برای تدبیر و فهم آن است و فهم آن، مقدمه‌ای برای عمل به آن. آن حضرت تنها در یک جا، شفاعت قرآن در قیامت را باعث نجات و رستگاری دانسته است،



اما مؤلفه اصلی پذیرفتن شفاعت قرآنی، باز هم عمل بر طبق قرآن است (همان: خطبه ۱۷۶). در همین راستا، مهم‌ترین نقش‌های این کتاب آسمانی در زندگی را، در نگاه مولای متقیان علی (ع)، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۳. قرآن، راهنمای خطوط کلی زندگی

به باور برخی از صاحب نظران، ساده انگارانه است که کسی انتظار داشته باشد قرآن، مانند حل المسائل، دردها و مشکلات زندگی بشر را یکی یکی بیان کند و به ترتیب راه حل‌ها را توضیح دهد. برای رسیدن به سعادت دو جهان و ایجاد جامعه‌ای مترقی و در عین حال دینی، خداوند دو وسیله در اختیار بشر قرار داده است: یکی دین و دیگری عقل. قرآن خطوط کلی ترقی و تکامل انسانی را روشن می‌سازد و این جامعه اسلامی است که باید با نیروی تفکر و استفاده از تجارب علمی بشری، زمینه تحقق اهداف بلند قرآنی را فراهم آورد (مصباح، ۱۳۷۹: ۱۹).

اصولا جاودانگی قرآن، مستلزم جامعیت آن است تا هم معشوق ابدی را به بشر معرفی کند و هم راه عشق ورزی را بیاموزد. قرآن تمامی آنچه را مربوط به هدایت بشر به سعادت است در خود گنجانده و قانون اساسی اسلام است: « کتاب پروردگارتان در میان شماست، که حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، آنچه در آن آزادید و آنچه آزاد نیستید، خاص و عام، پندها و امثال، مطلق و مقید، محکم و متشابه، همه را روشن نمود، آنچه را مبهم بود تفسیر کرد، و آنچه را پیچیده بود توضیح داد» (همان: خطبه ۱) و «کتابش را که بیان کننده هر چیزی است بر شما نازل کرده» (همان: خطبه ۸۶).

در همین راستا، از دیدگاه علی (ع)، قرآن کریم هم نگاه بشر را به خدا، جهان، انسان و زندگی سامان می‌دهد و هم قوانین و خطوط کلی زندگی را می‌نمایاند. برخی از مهم‌ترین نقش‌های قرآن در زندگی بر مبنای تفکر علوی عبارتند از:

### ۳-۱. هدایت گری

قرآن کریم، نخستین رسالت خویش را هدایت بشر به استوارترین راه و صراط مستقیم معرفی کرده است (بقره: ۲؛ اسراء: ۹؛ آل عمران: ۵۱؛ انعام: ۱۵۳)؛ از نگاه علی (ع)، نیز

گفتمان حاکم بر قرآن، هدایت بشر است: "ای مردم! ... آن که سخن خدا را راهنمای خود قرار دهد به استوارترین راه هدایت شود، زیرا پناهنده به خداوند، ایمن است» (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۷). " [قرآن] هدایت‌گری است که گمراه نمی‌سازد" (همان: خطبه ۱۸۰).

خاصیت نور، روشنایی بخشی است و قرآن، به نور و چراغ فروزان تشبیه شده است: «سپس خداوند قرآن را بر پیامبرش نازل کرد، نوری که چراغ‌هایش خاموش نگردد، چراغی که فروزندگیش کاستی نیابد» (همان: خطبه ۱۹۸) "... نوری که با آن تاریکی نباشد" (همان).

قرآن نیز خود را نور، رحمت، هدایت و بصائر و... معرفی کرده است (نساء: ۱۷۴؛ مائده: ۱۵؛ اعراف: ۲۳؛ انعام: ۱۰۴؛ جاثیه: ۲۰). علی (ع) در توصیف قرآن از تعبیری همچون منازل بین راه، نشانه‌ها، کوهساری سر به فلک کشیده، مرکب راهوار، استفاده کرده است (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸) که جملگی تأکیدی بر نقش هدایت‌گری قرآن در زندگی بشر دارند.

### ۲-۳. تبیین حقایق و معارف مورد نیاز بشر

انسان در زندگی خود، با یک سلسله پرسش‌های بنیادین روبروست که همه آدمیان آگاهانه یا ناآگاهانه به آنها پاسخ داده‌اند و متناسب با آن، روش خاصی از زیستن، رفتار و روابط انسانی را برگزیده‌اند. از کجا آمده ایم؟ به کجا می‌رویم؟ هدف از خلقت جهان و انسان چیست؟ آیا وجود تنها در ماده و طبیعت منحصر است یا خیر؟ سعادت حقیقی کدام است؟ و... پاسخ به این پرسش‌ها، میزان معرفت و نگرش آدمی را به خدا، جهان و انسان، زندگی، ابدیت و سعادت روشن می‌سازد و در پرتو این آگاهی، هر فرد، شکل خاصی از زیستن را بر می‌گزیند.

علی (ع) تبیین همه حقایق مورد نیاز بشر را، از جمله نقش‌های کلیدی قرآن معرفی می‌کنند و از قرآن با تعبیری مانند: تبیان، فرمان، چشمه دانش، فرونشاندن عطش عالمان و فقیهان و... یاد کرده‌اند: «او خداوند قرآن را [عاملی برای جداسازی حق از باطل که برهانش خاموش نگردد، بیان روشنگری که ارکانش ویران نشود،... قرآن معدن ایمان است و متن آن، سرچشمه‌های دانش است... دریایی است که هر چه آب

از آن بر دارند خالی نگردد، چشمه‌هایی است که هر چه از آن آب کشند پایان نپذیرد، خداوند قرآن را فرونشاندند عطش عالمان گردانید» (همان).

دین از نگاه علی (ع)، دینی کامل است که توسط پیامبر، به صورت قرآن در آمده است (همان: خطبه ۱۸). این نگاه علوی، در برابر تلاش گروه‌هایی است که هنوز هم می‌کوشند اسلام را دین ناقص یا ناتمام نشان دهند (جعفری، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۵۵-۲۵۸). به علاوه، توصیف قرآن به تبیان، در آیات الهی نیز منعکس شده است (نحل: ۸۹؛ اعراف: ۵۲؛ یوسف: ۱۱۱). به باور برخی از صاحب‌نظران، قرآن در بیان حقایق مورد نیاز بشر در عرصه اندیشه و عمل کوتاهی نکرد و هیچ نیازی را فرو گذار نکرده است (حکیمی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۸۷). از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد تعالیم وحیانی آن است که خطا و اشتباه و کژی در آن راه ندارد (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۶).

### ۳-۳. معرفی مبدأ هستی و صفات او

اگر عالی‌ترین معرفت‌ها، معرفت خداوند است و اگر بشر در طول تاریخ در پاسخ به این پرسش که آیا هستی و حیات، خالق دارد؟ گاه زبان انکار گشوده و گاه زبان تردید؛ پیامبران آمده‌اند تا او را به فطرت الهی‌اش متذکر سازند و او را از تحیر و سر درگمی نجات دهند. قرآن، عالی‌ترین کتاب خداشناسی است و شفاف‌ترین و منطقی‌ترین معرفی را از مبدأ هستی ارائه نموده است و آراء هیچ فیلسوف و متفکری و حتی تعالیم تورات و انجیل و اوستا را یارای هموردی با قرآن نیست.

«خداوند محمد (ص) را به حق بر انگیخت تا بندگانش را از عبادت بت‌ها بیرون و به حلقه عبادت خویش در آورد و از پیروی شیطان رها و مطیع خود سازد، با قرآنی که آن را روشن و استوار ساخت، تا مردمان خدایشان را که از او بی‌خبر بودند، بشناسند و به وجودش که آن را نفی کرده بودند، اقرار کنند و او را که منکر شده بودند، موجود و محقق بدانند. پس خدای سبحان در کتاب خود بی‌آنکه او را بینند، خود را بر بندگانش آشکار ساخت، به آنچه از قدرتش به آنان نمایاند، و آنچه از سطوت و قهرش ایشان را ترسانید که چگونه قومی را به کیفر هلاک ساخت و چه سان جمعی را با داس عذاب خویش درو نمود! و بر زمین افکند» (همان: خطبه ۱۴۷).

در نگاه علی (ع) در خصوص معرفت خداوند و تبیین صفات او، به همان اندازه که قرآن گفته و خواسته است، باید اکتفا نمود، زیرا با عقل بشری نمی‌توان به کنه ذات حقیقت نامتناهی دست یافت. هنگامی که فردی از آن حضرت خواست که خدایم را برایم چنان وصف کن که گویا او را آشکارا می‌بینم، آن حضرت به خشم آمد و بعد از اجتماع انبوه مردم در مسجد، در قالب خطبه معروف اشباح، بعد از ستایش خدا و بر شمردن اوصاف او، می‌فرماید: «پس ای کسی که [از صفات خدا] پرسیده‌ای! خوب بنگر، . . . و از نور هدایت قرآن روشنایی بگیر و از آنچه در قرآن دانستن آن بر تو واجب نگشته، و در سنت پیامبر (ص) و سنت امامان هدایت، نشانی از آن نیامده و شیطان تو را به دانستن آن واداشته، دست بردار و علمش را به خدای سبحان واگذار، که این نهایت حق خداوند بر تو می‌باشد (همان: خطبه ۹۱)؛ سپس عقل بشر را از دستیابی و احاطه علمی بر ذات خدا ناتوان معرفی می‌کند (همان: خطبه ۱۴۴).

### ۳-۴. نقش موعظه کننده

آدمی در مسیر پر نشیب و فراز زندگی، همواره نیازمند واعظی امین و خیرخواه است، و چه واعظی برتر از کتاب آسمانی: "از بیان خدا سود برید، و از مواعظش پند گیرید، و نصیحت خدا را بپذیرید که خداوند با آیات و دلایل روشن خود جای عذر و بهانه برای شما باقی نگذاشته و حجت را بر شما تمام کرد" (همان: خطبه ۱۷۶). "بدانید که قرآن همان نصیحت‌گری است که خیانت نمی‌ورزد، و هدایت‌گری است که گمراه نمی‌سازد و گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید (همان).

قرآن هم موعظه است و هم ملاک تشخیص زشت و زیبا: . . . با قرآن خدا را بشناسید و از قرآن برای خود نصیحت بخواهید. نظر خود را [اگر بر خلاف قرآن است] متهم کنید، و هواهای خود را [که در برابر قرآن است] خیانت‌کار شمارید (همان) و در نامه به حارث بن همدانی، آن حضرت می‌نویسد: «به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن پند جوی» (همان: نامه ۶۹).

دستیابی به حیات طیبه، در گرو شناخت خیر و شر در زندگی است و قرآن به‌عنوان کتاب هدایت، با شناساندن زشت و زیبا و خیر و شر، مسیر سعادت را به پیروانش

نمایانده است: « خداوند کتابی هدایت‌گر فرستاده است و نیکی و بدی و خیر و شر را آشکار در آن بیان فرمود، پس راه نیکی در پیش گیرید که هدایت شوید و از شر و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار گیرید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۷).

### ۳-۵. داروی شفابخش

قرآن داروی شفا بخشی است که همه دردها را درمان می‌کند و ناراحتی‌ها را التیام می‌بخشد. بدیهی است که پیش از احساس و شناخت درد، سخن گفتن از درمان، بیهوده است: "قرآن دارویی است که پس از آن دردی باقی نمی‌ماند" (همان: خطبه ۱۹۸).

رذایل اخلاقی، در شکل دروغ، حسد، تهمت، غیبت و... دردهایی است که گاه در افراد مشاهده می‌شود. از این رو برای درمان آنها چاره‌ای جز رجوع به نسخه طبیعی حاذق نداریم و آن چیزی جز سفارش‌های آسمانی خداوند در قرآن نیست: «از نور قرآن، شفا و بهبود خواهید که شفای سینه‌های بیمار است» (همان: خطبه ۱۱۰).

بزرگترین بیماری آن است که درد و علامتی نداشته باشد و ناگهان زندگی را از آدمی بستاند. اغلب بیماری‌های اخلاقی، این گونه‌اند از جمله نفاق و سرکشی و گمراهی؛ منافقی که خود را صادق می‌پندارد و عصیانگر راه گم کرده‌ای که خود را در راه می‌شمارد! « پس درمان خود را از قرآن بخواهید... که در قرآن درمان بزرگترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است» (همان: خطبه ۱۷۶). پیامبر (ص) نیز فرمود: « هر گاه اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، مشکلات و نابسامانی‌ها همانند پاره‌های شب بر جامعه شما سایه افکند و در حل مشکلات راه به جایی نبردید، بر شما باد که به قرآن رجوع کنید و راهنمایی‌های نجات بخش آن را ملاک عمل قرار دهید» (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۳۸۶).

### ۳-۶. معیار سعادت و رستگاری

سعادت و خوشبختی، گمشده همیشگی بشر بوده است و برآیند نقش و تأثیر قرآن برای فرد و جامعه، در تأمین سعادت دنیا و آخرت جامعه بشری تجلی می‌یابد. اگر

سعادت آدمی به معنای تقرب انسان به خدای متعال، از طریق اندیشه پاک توحیدی و عمل به شریعت در زندگی فردی و اجتماعی است؛ قرآن در نگاه علی (ع)، هم مبدأ را به بشر شناسانده است و هم معاد را؛ هم محبوب را و هم راه عشق ورزی به او را در قالب قوانین، احکام عبادی، فردی، اجتماعی و اخلاق بیان نموده است که نتیجه آن، تأمین سعادت بشر است و شرط آن پیروی از این نسخه شفا بخش وحیانی است: « [ بنده خدا علی امیر المومنین (ع) ] او [ مالک اشتر ] را فرمان می‌دهد به... پیروی از آنچه خداوند در کتاب خود بدان فرمان داده، از واجبات و سنت‌های خود، که کسی جز به پیروی از آنها به سعادت نرسد، و جز با انکار و ضایع کردن آن، به شقاوت نیفتد» (همان: نامه ۵۳).

حضرت علی (ع) با تمثیلی زیبا، مردم را به عمل به قرآن و حراست از آموزه‌های حیات بخش آن فرا می‌خواند که نتیجه آن در آخرت مشمول شفاعت قرآن شدن و رستگاری است (همان: خطبه ۱۷۶). قرآن، مطمئن‌ترین نسخه‌ای است که می‌تواند نجات پیروانش را در دنیا و آخرت تضمین نماید: « هر کس را به آن چنگ زند نگه می‌دارد، و هر که را به آن در آویزد نجات دهد» (همان: خطبه ۱۵۶).

### ۳-۷. نجات بخشی از فتنه‌ها

در نگاه علی (ع) یکی از عوامل ظهور فتنه‌ها، مخالفت با احکام قرآن و یکی از ویژگی‌های فتنه، در آمیخته شدن حق و باطل است به گونه‌ای که تشخیص آنها دشوار می‌شود (همان: خطبه ۵۰). از دیگر ویژگی‌های فتنه، تغییر حلال و حرام‌هاست (همان: خطبه ۱۵۶). راه درمان از نگاه علی (ع) عبارتند از: (۱) بازگشت به قرآن، (۲) پیروی از امام خویش، (۳) رعایت تقوای الهی.

راه اول. «بر شما باد به کتاب خدا که ریسمان محکم، نور آشکار، داروی شفابخش، و فرونشاندن تشنگی است، که هر کس را به آن چنگ زند، نگه می‌دارد، و هر که را به آن در آویزد، نجات دهد» (همان).

در فضای تاریک فتنه، جامعه نیاز به چراغ فروزانی دارد تا در پرتو آن، راه را از بیراهه بشناسد اما کدام چراغ؟ و در دست چه کسی؟ «سپس خداوند قرآن را بر پامبرش نازل

کرد، نوری که چراغ‌هایش خاموش نگردد، چراغی که فروزندگیش کاستی نیابد، دریایی که ژرفایش به ادراک نیاید» (همان: خطبه ۱۹۸).

راه دوم. آن حضرت خود را نور افکنی می‌داند که چراغ در دست، راهنمای گمراهان در فضای فتنه است. ایشان بعد از فتنه نهروان در سال ۳۸ هـ ق می‌فرماید: "ای مردم! مهار این شتران فتنه را که بار وزر و وبال بر پشت دارند رها کنید، و از گرد امام خود پراکنده نشوید که سرانجام خود را نکوهش خواهید کرد... داستان من در میان شما داستان چراغی است که در تاریکی نورافشانی می‌کند، تا کسی که در تاریکی وارد می‌شود از پرتوی انوار آن روشنی جوید" (همان: خطبه ۱۸۷). «جمعی در دریای فتنه غرق شدند، به بدعت‌ها چنگ زدند و سنت‌ها را رها کردند...؛ ما اهل بیت همچون پیراهن تن پیامبر [به او نزدیک] هستیم. ما یاران و گنجینه‌های علم و ابواب رسالتیم، و به درون خانه جز از درب آن نمی‌توان درآمد، و هر کس از غیر درب وارد شود او را دزد خوانند» (همان: ۱۵۴).

و خطاب به مردم بصره بعد از فتنه جمل می‌فرماید: «در هنگام وقوع فتنه هر که بتواند خود را به اطاعت خداوند عزّ و جلّ وادارد، باید چنان کند. اگر از من اطاعت کنید به خواست خدا شما را به سوی بهشت خواهیم برد هر چند با سختی و تلخکامی همراه باشد" (همان: خطبه ۱۵۶). «ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید" (همان: خطبه ۵)؛ این کشتی‌های نجات، همان اهل بیت پیامبرند.

راه سوم. آراستن خویش به تقوای الهی است: «بدانید کسی که از خدا پروا نماید خداوند راه بیرون شدن از فتنه‌ها را به رویش می‌گشاید، و نوری به او عطا نماید که تاریکی‌ها را می‌زداید (همان: خطبه ۱۸۳). آن حضرت در حدیثی دیگر، در پاسخ به سوال شخصی به نام حارث اعور، قرآن را تنها راه رهایی از فتنه‌ها معرفی کرده است (حسینی، ۱۳۷۸: ۴۸).

### ۳-۸. مبنای عمل کارگزاران

هدف حکومت‌های دینی، احیاء حلال و حرام خدا و احکام قرآن در سطح جامعه است و کارگزاران و مدیران مسئولیت مهیا ساختن شرایط را جهت این هدف مهم برعهده

دارند. از نگاه علی (ع)، کارگزاران، باید قرآن را مبنای تصمیم سازی‌ها و کارهای خود سازند. به مالک می‌نویسد: «به ریسمان قرآن چنگ زن، و از آن نصیحت پذیر، حلالش را حلال، و حرامش را حرام بشمار» (نهج البلاغه: خطبه ۶۹).

#### ۴. مفسران حقیقی قرآن

در نگاه علی (ع)، از یک سو قرآن، ناطق است و نیاز به سخن گو ندارد: « کتاب خدا در میان شماست، سخنگویی که زبانش از گفتن خسته نمی‌شود » (همان: خطبه ۱۳۳) و از آن به‌عنوان کتابی که بیان‌کننده حلال و حرام است، سخن گفته است: « کتاب پروردگارتان در میان شماست که [آنچه را شما بدان نیاز داشتید برایتان بیان کرد] حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، ... محکم و متشابه همه را روشن نمود، آنچه را مبهم بود تفسیر کرد، و آنچه را پیچیده بود توضیح داد » (همان: خطبه ۱)؛ اما از سوی دیگر آن را صامت دانسته است که کسی باید آن را به سخن آورد: « قرآن، ... خاموش و در عین حال گویاست و حجت خدا بر مردم است » (همان: خطبه ۱۸۳).

به باور برخی از صاحب‌نظران، صامت و ناطق بودن قرآن، یعنی چنین نیست که معانی همه آیات، برای انسان‌های عادی قابل فهم و دسترس باشد و بدون تفسیر و تبیین توسط پیامبر (ص) و امامان (ع) قابل دسترس باشد (مصباح، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶). قرآن در عین قابل فهم بودن، مانند اقیانوسی است که برای کشف در و گوهرهای آنها، نیازمند غواصان ماهر و ورزیده است یا به سان معدنی است که کشف گنجینه‌های آن نیازمند مفسرانی است که دانش خود را مرهون علم الهی هستند و به سرچشمه علم لایزال مبدأ هستی اتصال یافته‌اند؛ لذا آن حضرت در تبیین ژرفای معارف قرآن می‌گوید:

«سپس خداوند قرآن را بر پیامبرش نازل کرد. . . دریایی که ژرفایش به ادراک نیاید، راه روشنی که گام نهادن در آن گمراهی ندارد، پرتوی که روشنایی آن تاریک نگردهد، عاملی برای جداسازی حق از باطل که برهانش خاموش نگردهد. . . قرآن معدن ایمان است و متن آن، سرچشمه‌های دانش است و. . . سرچشمه‌هایی است که هرچه از آن آب



کشند پایان نپذیرد، آبشخورهایی است که هر چه از آن آب برگیرند فروکش نکند" (همان: خطبه ۱۹۸).

به جهت چند لایه بودن معانی و آموزه‌های قرآن است که خداوند، یکی از وظایف پیامبر (ص) را تبیین و تفسیر آن دانسته است (نحل: ۴۶). امام صادق (ع) فرمود: ای جابر قرآن دارای بطنی است و آن باطن نیز بطنی دارد، قرآن را ظاهری است که آن نیز دارای ظاهر دیگری است، ای جابر! عقول بشر عاجزتر از آن است که از عهده حقیقت و باطن قرآن برآیند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۹). بنابراین به لحاظ دارا بودن معانی عمیق، برای انسان عادی صامت است و نیاز به تفسیر دارد. در نتیجه، قرآن هم صامت است و هم ناطق، صامتی که نیاز به استنطاق دارد. در همین راستا آن حضرت می‌فرماید: "آن نور قرآن است، پس آن را به سخن آورید، ولی هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از آن خبر می‌دهم" (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۸).

قرآن با زبان، سخن نمی‌گوید و نیازمند ترجمان است: "این قرآن فقط خطوطی است که نوشته شده و میان دو جلد قرار گرفته، با زبان سخن نمی‌گوید بلکه ترجمانی نیاز دارد، و این اشخاصند که از جانب او سخن می‌گویند" (همان: خطبه ۱۲۵). از نگاه علی (ع) مفسران وحی، پیامبر و خاندان طاهرینش هستند، و این مقتضای آیه: لا یمسه الا المطهرون (واقعه: ۷۹) است (جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۷۶-۳۸۱). به همین جهت خود را "قرآن ناطق" لقب داده است.

در نگاه آن حضرت، راسخان در علم، و مفسران واقعی قرآن، اهل بیت پیامبرند و مدعیان دیگر، در ادعای خود صادق نیستند (همان: خطبه ۱۴۴): «بخدا قسم که تبلیغ رسالت‌ها، و وفای به وعده‌ها، و معنا و حقیقت کلمات [تأویل قرآن] را به من آموخته‌اند. درهای حکمت و روشنایی امور نزد ما اهل بیت است» (همان: خطبه ۱۲۰؛ حکمت ۴۳۲).

به همین لحاظ آن حضرت به‌عنوان یک شاخص، پیروی از اهل بیت پیامبر (ص) را در همه امور بر مسلمانان یک ضرورت اجتناب ناپذیر دانسته است و پیروی از آنها را مایه سعادت و تخلف از آنها را حرکت به سمت هلاکت و گمراهی معرفی نموده است (همان: خطبه ۱۵۲، ۱۵۴) و خود را از شجره نبوت و معدن علم دانسته است (همان: خطبه ۱۰۹؛ کلینی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۸۶).

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، حق و باطل، علاوه بر این که در مقام شناخت، متضایفاند، در مقام عمل نیز متضایفاند؛ اگر حق را بشناسیم، باطل را نیز خواهیم شناخت و بالعکس. در مقام عمل نیز حاکمیت بخشیدن به قرآن در جامعه، بدون شناخت مخالفان و افکار انحرافی آنان و مقابله با توطئه‌ها و شگردهای شیطانی آنها در تضعیف فرهنگ دینی جامعه ممکن نیست (مصباح، ۱۳۸۹: ۸۴). علی (ع) با توجه به این واقعیت می‌فرماید: «بدانید شما هرگز راه هدایت را نمی‌شناسید و در آن راه قرار نمی‌گیرید، مگر آن که کسانی که هدایت الهی را رها کرده‌اند بشناسید و هرگز به پیمان الهی که همان قرآن کریم است - پایبند نمی‌شوید، مگر آن که پیمان‌شکنان را بشناسید و هرگز از متمسکان به حبل‌المتین الهی و پیروان واقعی قرآن محسوب نمی‌شوید، مگر آن که کسانی را که قرآن را کنار گذاشته و به این کتاب الهی پشت کرده‌اند، بشناسید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۴۷).

شیوه بیان معارف در قرآن و خصوصیات زبانی و بیانی آن ویژگی‌های دهگانه‌ای دارد که دانستن آن برای استفاده‌کنندگان از این کتاب آسمانی ضروری به نظر می‌رسد (جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۲۹-۴۴۷).

##### ۵. ما و قرآن، بایسته‌ها و نبایسته‌ها

از منظر علی (ع)، وظیفه ما مسلمانان در برابر قانون اساسی اسلام و نسخه شفاف‌بخش نبوی چیست؟

نخستین وظیفه، شناخت جایگاه این کتاب آسمانی در منظومه تفکر اسلامی است تا با شناخت آن، مسئولیت‌های بعدی ما در قبال آن، بازشناسی شود، و سپس آموختن، تلاوت همراه با تفکر در آیات آن و آنگاه فهم پیام‌ها، قوانین و احکام آن و در نهایت التزام عملی به آموزه‌های آن. زیرا تنها در این صورت است که نقش این اثر جاودانه الهی را در اندیشه، افکار و رفتار فردی و اجتماعی خویش به نظاره خواهیم نشست. آن حضرت یکی از صفات پرهیزگاران را قرائت همراه با تفکر و تدبر دانسته که می‌تواند دوای دردهای خود را در آن بیابد:

«اما [پرهیزگاران] در شب به پا ایستاده‌اند، قرآن را جزء جزء شمرده و سنجیده می‌خوانند، و با خواندن آن اندوهی معنوی [و شیرین و نشاط

بخش] در خود پدید می‌آورند، و داروی درد خود را از آن به دست می‌آورند. هرگاه از آیه‌ای می‌گذرند که در آن بشارتی است، به آن طمع کرده و می‌آرمند، و روحشان از سر اشتیاق به آن خیره خیره می‌نگرد، و گمان می‌کنند که آنچه بدان بشارت داده شده در برابر دیدگان‌شان قرار گرفته» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۳).

آموختن قرآن به‌عنوان دروازه ورود به فهم آن، و سپس آشنایی با مفاهیم آن، وظیفه دوم یک مسلمان است، آن حضرت در نامه ۳۱، نخستین گام در تربیت فرزندش، امام حسن (ع) را، آموزش قرآن و آشنا نمودن او با قوانین و آموزه‌های آن دانسته است (همان: نامه ۳۱).

علم به قرآن باید عمل به آن را در پی داشته باشد. در غیر این صورت با جهل تفاوتی ندارد: «... و قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است... همانا عالمی که برخلاف علمش عمل می‌کند چونان نادان سرگشته‌ای است که از جهلش رها نشده و بیدار نگشته، بلکه حجت خدا بر او بزرگ‌تر، و اندوهش ماندگارتر، و نزد خداوند به نکوهش سزاوارتر است» (همان: خطبه ۱۱۰) "و بر شما باد عمل به قرآن" (همان: خطبه ۱۶۹). در خصوص جایگاه عمل به قرآن، ابو عبدالرحمن السلمی می‌گوید: اصحاب، خدمت پیامبر (ص) می‌رسیدند، ده آیه را یاد می‌گرفتند و تا زمانی که به آن عمل نمی‌کردند سراغ آیات دیگر نمی‌رفتند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۱۰۶).

قرآن یکی از عوامل سقوط تمدن‌ها و ملت‌ها و پیروان برخی از پیامبران الهی را، تغییر احکام کتاب‌های آسمانی معرفی کرده است که حلالش را حرام و حرام آن را حلال شمردند؛ از این رو مسلمانان با عبرت آموزی از تاریخ، باید همواره مطیع آموزه‌های قرآن در زندگی باشند: «به ریسمان قرآن چنگ زن و... حلالش را حلال و حرامش را حرام بدار. حقی را که پیش از این بوده تصدیق کن، و از گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت آموز» (نهج‌البلاغه: نامه ۶۹).

## ۶. هشدارهای آن حضرت در خصوص قرآن

معمولاً آدمی در لحظات پایانی عمر، مهم‌ترین وصیت‌ها را به بازماندگان یادآوری و انجام آنها را سفارش می‌کند. علی (ع)، در آستانه وصال حضرت دوست، فرزندانش را فرا

می‌خواند تا مهم‌ترین توصیه‌هایش را ناگفته نگذارد. و این نه توصیه به فرزندان و خاندان او، که به تعبیر حضرتش، سفارش‌هایی است به هر کسی که این وصیت را می‌خواند و به همه پیروانش در همه اعصار است: «... خدا را خدا را، در نظر آورید در حق قرآن، مبادا دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی گیرند» (همان: نامه ۴۷).

نکند مسلمانان خود را به لحن و صوت زیبا مشغول سازند و دیگران به آن عمل کنند و لاقول دنیایشان را آباد کنند. نکند که مسلمانان به بخشی از آن عمل کنند و بخش دیگر را رها کنند، نکند مسلمانان دستور نماز و روزه و دعا را از قرآن بگیرند اما حریت و آزادی، استقلال، تن ندادن به حکومت‌های غیر دینی، تلاش در عرصه علم و دانش، و سایر پیام‌ها و قوانین و آموزه‌های قرآن را جهت ایجاد یک دنیای آباد و آزاد و آخرت همراه با رستگاری و نجات را به فراموشی بسپارند. دور افتادن از تعالیم قرآن و به دنبال آن عقب افتادگی کشورهای اسلامی در حوزه‌های مختلفی مانند اقتصاد، دموکراسی، قانون‌مداری، بهداشت، تکنولوژی، نظم و ... سبب شده است که نامعتقدان به قرآن و جوامع غیر مسلمان، الگوی ما تلقی شوند و ما پیروان قرآن هنوز در رفع نیازهای اولیه خود، دست و پا بزنیم. و این چیزی جز ثمره سبقت گرفتن دیگران در عمل به آموزه‌های حیات‌بخش قرآن نیست که هشدارش را علی (ع) در سال ۴۱ هـ داده بود.

در جای دیگر باز هم آن حضرت از آخرالزمانی سخن می‌گوید که از قرآن، تنها اسمی می‌ماند و عمل به آن، به فراموشی سپرده می‌شود (همان: حکمت ۱۶۹).

هشدار دیگر، مربوط به هنگامی است که حاملان و مفسران واقعی قرآن، به کنج عزلت کشانده می‌شوند و گروهی بر جامعه اسلامی حکم می‌رانند و سکان هدایت را در دست می‌گیرند که خود را پیشوا قرار می‌دهند نه قرآن را، و آموزه‌های آن را به نفع منافع و مطامع خویش، تفسیر می‌کنند: «پس از من، بر شما روزگاری خواهد آمد که در آن روز قرآن و اهل قرآن مطرود و در انزوایند. . . آن مردم بر پراکندگی اتفاق کرده، از وحدت روی گردانند. گویا آنان پیشوای قرآنند نه قرآن پیشوای آنان. از قرآن در میان آنان جز نامی باقی نماند، و از آن جز خط و نوشته‌ای نشناسند» (همان: خطبه ۱۴۷).

ایشان پس از تبیین روحیه حاکم بر خواص جامعه که غالباً قرآن و دین را به رأی خود تفسیر کرده، مردم را به گمراهی می‌کشاند، در عبارات فوق، فرهنگ حاکم بر عموم مردم را نیز پیش بینی نموده است.

برآگاهان پوشیده نیست که دشمنان قرآن و قدرت‌های استکباری امروز در صددند تا چنین فرهنگی را بر جامعه ما حاکم کنند. آنها در تهاجم فرهنگی، باحمله به مقدسات دینی و تبلیغ ارزش‌های ضد دینی، بر آند تا به تدریج، آنچه را علی (ع) پیش بینی کرده و مردم را در جامعه ما حاکم سازند: "مردم در آن زمان بر افتراق و اختلاف اجتماع می‌کنند، گویا توافق می‌کنند بر این که با قرآن و مفسران واقعی آن نسانند. آنها به پیروی از جاهلان عالم نما، در حالی که گویا خود را رهبر قرآن می‌دانند و قرآن را طبق خواسته‌های نفسانی خود تفسیر و توجیه می‌کنند، از مسلمانان واقعی و عالمان دین و مفسران حقیقی قرآن جدا شده، از آنها فاصله می‌گیرند. آنها به جای این که در فکر و اندیشه و در مقام عمل، قرآن را امام و راهنما و رهبر خود قرار دهند، از قرآن پیشی می‌گیرند و از امامت و رهبری آن سرباز می‌زنند و قرآن و دین را به رأی خویش تفسیر می‌کنند" (همان).

## ۷. تحلیلی از وضعیت کنونی ما (با توجه به نگاه علوی)

در سال ۱۳۵۷ با وقوع انقلاب اسلامی، در کشور ما از مهوریت چند صد ساله قرآن تا حدود زیادی کاسته شد، حادثه‌ای که به تعبیر رهبر کبیر آن، انفجار نور بود، توانست نظام سیاسی مبتنی بر دین و مبانی قرآنی را با نام جمهوری اسلامی به وجود آورد و این یک گام بسیار بلند توسط ملت ایران با رهبری یک انسان عارف، فقیه و جامع الاطراف یعنی امام خمینی (ره) بود که توانست نظامی سیاسی را تأسیس نماید که عدالت و پیشرفت و رفاه و سعادت را تنها در پرتو تعالیم قرآن و سنت جستجو می‌کند.

نظام اسلامی مبتنی بر قرآن تشکیل شد، ساختار و قوانین تا حدود بسیار زیادی، مبتنی بر اسلام و قرآن و سنت است اما تا رسیدن به دولت اسلامی، کشور اسلامی و امت اسلامی، راه زیادی در پیش داریم. دولت، آنگاه اسلامی است که مدیران آن از سطوح عالی، میانی، و پائین، تا شورای روستایی و دهیار، همه و همه التزام عملی به قانون داشته و بر اساس آن عمل کنند و مردم نیز به تبع مدیران، و خانه و مدرسه، دانشگاه و

تمام مراکز دولتی و خصوصی و کوچه و بازار، بر مبنای قانون، و بر اساس تعالیم و آموزه‌های حقوقی و اخلاقی قرآن رفتار نمایند. در صورتی که درصد بالایی از مدیران و مردم در جامعه چنین پایبندی را از خود بروز دهند، می‌توان گفت به دولت اسلامی و کشور اسلامی دست یافته‌ایم و به قرآن عمل کرده‌ایم. نتیجه چنین عملکردی رفاه، عدالت، پیشرفت و رضایت‌مندی جامعه خواهد بود اما آیا چنین اتفاقی افتاده است؟ یا فاصله بسیار است؟

به نظر می‌رسد برخی از نابسامانی‌های موجود در عرصه خانواده، مدرسه، کوچه و بازار، دانشگاه، دستگاه‌ها و مراکز دولتی و خصوصی و... جملگی از فاصله گرفتن ما از آموزه‌های قرآن در عرصه عمل بر می‌گردد و این نوعی از مہجوریت است که پیامبر (ص) از زبان وحی از آن شکایت کرده است «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان: ۳۰)؛ پروردگارا! این قوم من قرآن را ترک گفتند و از آن دوری جستند»

سطح مہجوریت در میان امت اسلامی و کشورهای اسلامی بسیار بیشتر است. در اکثر کشورهای اسلامی مبنای نظام سیاسی، قانون اساسی و قوانین کیفری و جزائی و مدنی، روابط بین الملل و قوانین اجتماعی، اقتصادی و غیره را، نه از قرآن که دست‌گذاری به بیگانگان دراز می‌کنند مگر اینکه بیداری اسلامی در سال‌های اخیر بتواند با تدبیر نخبگان، به طور نسبی، به این مہجوریت پایان دهد.

به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، گاه مشاهده می‌شود که قرآن تنها به صورت یک کتاب تشریفاتی در آمده است که الفاظش را با صدای زیبا، می‌خوانند با چاپ‌های متنوع به چاپ رسانده و هدیه می‌کنند، و آن را نه به‌عنوان مبنای عمل فردی، اجتماعی و سیاسی، که در کاشیکاری‌های مساجد به‌عنوان هنر معماری، یا برای افتتاح منزل نو، حفظ مسافر از خطر، شفای بیماران، سفره هفت سین، مجالس فاتحه و یا حداکثر برای ثواب بردن، می‌دانند و این یعنی مہجوریت قرآن. بنابراین آن شکایت پیامبر (ص) امروز نیز همچنان ادامه دارد، که گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برند که این قرآن به دست فراموشی سپرده شده است. قرآنی که مملو از برنامه‌های زندگی است، آن را رها ساخته و آنچه خود دارند را از بیگانه تمنا می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۳۰-۳۳۱).

به باور برخی از اندیشمندان، با تکیه بر این کتاب آسمانی است که آدمی می‌تواند مختصات وجودیش را در جهان و هدف خلقتش را بشناسد، حقیقت روح و جسم، دنیا و آخرت و سایر حقایق عالم را دریابد، نسبتش را با خداوند و با سایر افراد جامعه شناخته و سامان بخشد، و این همان معرفتی است که آدمی را در مسیر صحیح انسانی قرار می‌دهد. قرآن نور و هدایتگری است که جامعه انسانی را از مرگ به زندگی، از سکون به حرکت و پویایی، از ذلت به عزت سوق می‌دهد و حرکت جامعه را در مسیر رشد قرار می‌دهد. این ویژگی‌ها، تنها زمانی در قرآن یافت می‌شود که آموزه‌های آن در زندگی همه افراد نفوذ کند و مورد عمل قرار گیرد نه قرآنی که مهجور و از ساحت زندگی فردی و اجتماعی دور باشد. نه قرآنی که ظاهرش را به بهانه باطن و باطن آن را به بهانه ظاهر به کناری نهند و آن را از آموزه‌های عملی و اصلاح‌گرانه‌اش تهی سازند و ابزاری برای ارتزاق و کسب درآمد قرار دهند. در این صورت وظیفه و رسالت ما این است که به این کتاب آسمانی باز گردیم.

اما دو خطر بزرگ دیگر را در مورد قرآن نباید مورد غفلت قرار داد: اول، دشمنان قرآن و کسانی که از نفوذ اصول اجتماعی آن در جامعه... وحشت دارند... به مخالفت پنهان، که بسیار بدتر و خطرناک‌تر از مخالفت صریح است، روی آورده‌اند. و آن عبارتست از تفسیر به رأی. یعنی تفسیر آموزه‌های آن، به گونه‌ای که با امیال و اهداف دنیویشان سازگار افتد؛ دوم. توجه افراطی به الفاظ، قرائت و مسائل ادبی قرآن، تا اینکه دانشمندان و عموم جامعه در اندیشه نفوذ تعالیم و آموزه‌های آن در جامعه و زندگی نباشند. باری قرآن کریم به‌عنوان هادی بشر و مصلح فرد و جامعه، مرهون عمل به آن و بکارگیری آموزه‌های آن در فرد و جامعه، هم در عرصه اندیشه و هم در عرصه عمل است (حکیمی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۸۵-۱۸۷).

ارائه یک نمونه کوچک از جامعه ایمانی و آشنای با قرآن و عامل به آموزه‌های آن، می‌تواند تأثیرات شگرف قرآن بر زندگی را به خوبی نشان دهد. امیر تیمور گورکانی، در لشکرکشی خود، به جنوب خراسان، گذرش به شهر بشرویه می‌افتد. وی با مشاهده آگاهی و عمل مردم به آموزه‌های قرآن و در نتیجه حاکمیت امنیت، رفاه، نظم، بهداشت، آرامش و بندگی خدا در تمامی سطوح جامعه به وجد آمده، می‌گوید: روزی که می‌خواستم از شهر بشرویه خارج شوم فرمان دادم تا روزی که اعقاب من سلطنت می‌کنند شهر بشرویه از خراج معاف باشد. دانستم بعضی شهرها لقب دارالعلم و برخی

دارالامان دارند، فرمان دادم که بشرویه «دار العلم و الامان» باشد (بازرگان، ۱۳۷۷: ۸۶-۹۱).

اخیراً هم فیلمی به نام "قانون" در کشور ما تولید شد که لاقلاً یک بخش آن، قابل دفاع منطقی است؛ زیرا فاصله بخشی از جامعه را با آموزه‌های قرآنی نشان داده، توانست تفاوت اسلام حقیقی را با «رفتار مسلمانان» نشان دهد (حداد عادل، بی‌تا). اگر بشود فیلمنامه‌ای فاخر تهیه کرد که در عین جذابیت و حتی طنز آلود بودن، فاصله ما را با آموزه‌های قرآنی در عرصه‌های مختلف خانواده، بازار، اداره، و غیره نشان دهد، خدمت بزرگی برای نجات قرآن از مهجوریت خواهد نمود.

نگاه علی (ع) به قرآن و انتظار او از مسلمانان و جوامع اسلامی با وضعیت موجود فاصله زیادی دارد و برای کاستن این فاصله، بر دولت اسلامی فرض است که تدبیری بیاندیشند. تدوین سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ ه. ش، از مهمترین گام‌ها، جهت نفوذ قرآن در عرصه‌های مختلف جامعه به شمار می‌آید و اهتمام به اجرای آن، مهمترین خدمت به احیاء کتاب آسمانی است.

## ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرآن در نگاه علی (ع)، کتاب قانون و زندگی است، راه چگونگی اندیشیده و چگونگی زیستن را می‌آموزد و مبنای رفتار کارگزاران، حلال مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی، درمان کننده بزرگترین بیماری‌ها، بیانگر خیر و شر، هدایت‌گری امین، مبین حقایق و معارف مورد نیاز بشر، جلا دهنده فکر و قلب آدمی، معرف خداوند و صفات او، معیار سعادت و خوشبختی، نجات بخش از فتنه‌ها و... به شمار می‌آید. در نگاه علی (ع)، وظیفه ما در قبال این میراث نبوی، شناخت رسالت و جایگاه آن به عنوان قانون زندگی، تعلیم آن و مهم‌تر از همه عمل به آموزه‌های آن در همه عرصه‌هاست.

البته به نظر می‌رسد هنوز با وضعیت مطلوب، فاصله بسیار است. وقوع بیداری اسلامی در سطح امت اسلام، نوید بازگشت به قرآن را می‌دهد و تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته و نیرومند و مستقل و مقتدر در عرصه‌های علمی، معنوی، فناوری، در پرتو قانون اساسی اسلام و آموزه‌های قرآن و اهل بیت می‌تواند بهترین روش برای جهانی



نمودن قرآن کریم و عرضه آن به‌عنوان نجات‌بخش بشر از تنگناهای عصر مدرن و فرامردن باشد. پیشنهادات ما عبارتند از این که: با توجه به آموزه‌های علوی، قرآن، کتاب قانون برای زندگی سعادت‌مندانه در نظر گرفته شود؛ درک درستی نسبت به فاصله وضعیت موجود، با آموزه‌های قرآنی حاصل شود؛ با مهندسی دقیق فرهنگی جامعه، برنامه‌ای مدون برای نزدیک شدن به آموزه‌های قرآن تدوین گردد؛ تلاش همه جانبه برای تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته و مترقی در تمامی عرصه‌ها، بر مبنای برنامه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ شمسی، بهترین روش برای جهانی نمودن قرآن است. آموزه‌های قرآنی به شکل مهارت‌های زندگی فردی، اجتماعی و... تدوین و با راهکار مناسب در جامعه گسترش یابد؛ و البته پیش از هر اقدامی، از خود آغاز کنیم که منحصر به فرد ترین موعظه قرآنی همین است: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأَحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى» (سبا: ۴۶).

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

نهج البلاغه. (۱۳۸۳). سید رضی، ترجمه علی شیروانی، قم: نسیم حیات.  
ابن سینا. (۱۳۷۵). *اشارات و تنبیها*. ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران: انتشارات سروش.

اسحاقیان، جعفر. (بی تا). *قرآن در نهج البلاغه*.

<http://www.rasekhoon.net/article/show-57360.aspx>.

اسفندیاری، محمد. (۱۳۸۴). *آسیب شناسی دینی*. قم: نشر صحیفه خرد.

بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). *پادشاهی خدا*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۱). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

جوادی، عبدالله. (۱۳۵۸). *قرآن در نهج البلاغه*. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.

جوادی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تفسیر موضوعی قرآن، قرآن در قرآن*. قم: نشر اسراء.

حداد عادل، غلامعلی. (بی تا). *نقدی بر فیلم "کتاب قانون"*.

<http://parsine.com/fa/pages/?cid=12341>.

حسینی، سید حسین. (۱۳۷۸). *هفده گفتار در علوم قرآنی (از سه مفسر شیعی: فیض کاشلانی، عیاشی، بلاغی)*. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

حکیمی، محمد رضا و محمد علی. (۱۳۵۸). *الحیاه (عربی)*. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خمینی، روح ا.... (۱۳۷۳). *متن وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی*. قم: نشر تسنیم.

رمضان پور، محمد. (۱۳۸۷). "قرآن از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه"، نشر عالم افروز، کاشمر.

شرفی فر، نفیسه. (۱۳۸۶). "جایگاه قرآن در نهج البلاغه". روزنامه جوان، شهریور ۱۳۸۶، شماره های ۲۴۰۱-۲۴۰۰:

<http://www.namaye.org/irannamaye/83246/199002063.htm>.

فاضلی، مهسا. (بی تا). "قرآن از نگاه علی (ع)"، مجله گلستان قرآن، شماره ۱۰۶، صص ۳۴-۳۹.

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/3703/34/text>.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۰). *اصول کافی*. ترجمه و شرح فارسی از: محمد باقر کمره ای، تهران: انتشارات اسوه.

مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۹). *قرآن در آئینه نهج البلاغه*. قم: انتشارات

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.